

### متن پرسش

با سلام و آرزوی صبر و سعادت برای شما استاد عزیز: بنده و تعدادی از دوستانم مدتی است مطالعات غرب شناسی با محوریت کتب حضرتعالی را دنبال می کنیم. ما تابحال کتاب های گزینش تکنولوژی، مدرنیته و توهم و علل تزلزل تمدن غرب را مطالعه و گاه با هم بحث می کنیم. در این زمینه سوالی که بارها تکرار شده است را خدمتتان عرض می کنم، پیشاپیش از پاسخگویی شما ممنونم: ۱. شما جایی از عبارت «اکل میته» برای نحوه مواجهه با تکنولوژی استفاده کرده اید، با توجه به معنی این عبارت در فقه و بار معنایی مختص به آن، نوعی برداشت بوجود آمده که حاوی نوعی انفعال نسبت به تکنولوژی غربی است، لطفا این عبارت را بیشتر توضیح دهید و رابطه آن با بحث گزینش تکنولوژی که در مباحث خود مطرح کرده اید و همینطور رابطه آن با تئوری «اسلامیزه کردن» که از سوی برخی مطرح شده را برای ما روشن کنید. ۲. در زمینه نگاه غرب به مقوله تاریخ و مقایسه با دیدگاه توحیدی و همینطور نقد سبک زندگی غربی چه منابع و کتاب هایی را برای مطالعه و تحقیق پیشنهاد می کنید؟ و در نهایت اینکه بنده و برخی دوستان فعال در زمینه فعالیت انقلابی در فضای مجازی، برخی جلسات هفتگی را شرکت می کردیم. فعلا و با توجه به تعطیلی این جلسات از شما تقاضا داریم در صورت امکان وقتی جهت بازدید حضوری به ما اختصاص دهید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بد نیست در این مورد به کتاب «تمدن‌زایی شیعه» رجوع فرمایید. در قسمتی از آن کتاب چنین گفته شده است:

فرهنگ دینی و تعامل صحیح با طبیعت

سؤال: مسلم است که اگر علم ما علم همه جانبه ای باشد، برای رفع نیازهای خود به بهترین نحو از استعدادهای طبیعت استفاده می کنیم و در آن صورت بقیه ی ملتها متوجه و طالب آن فکر و فرهنگ می شوند، به عبارت دیگر موجب حسرت و جذب بقیه می گردد، چیزی که متأسفانه امروزه برعکس شده و ملتهای مسلمان حسرت داشته های غرب را می خورند. آیا آن عجایب علمی که شیخ بهائی در اصفهان از خود به یادگار گذاشت، نمونه ای از همان ابزار اسلامی است که می تواند موجب حسرت سایر ملل باشد؟ مثل حمامی که با يك شمع کارمکرد؛ آن حمام از يك طرف زحمت راه اندازی اش کم بود، و از طرف دیگر بازدهی اش زیاد، بدون آنکه پسماندهای داشته باشد و بخواهد به جنگ طبیعت

و محیط زیست برود، آیا با توسعه و پیشرفت علوم غربی متوان چنین ابزاری ساخت؟

جواب: خیر، با توسعه ی علوم غربی نمیتوان چنین ابزاری ساخت، چون همانطور که عرض شد، در علوم ابزارسازی غرب، يك «میل» نهفته است و در نتیجه دارای جهت خاصی است که نمیتواند با طبیعت تعامل کند و از استعدادهای متعالی آن استفاده نماید و لذا طبیعت خودش را راحت در اختیار آن فرهنگ قرار نمدهد. اینجاست که می بینید بهره گیری از طبیعت، برای بشر غربی خیلی مشکل است. شما در نظر بگیرید اگر بخواهید يك اتم منفجر کنید و از انرژی آن استفاده نمایید، چقدر باید در مقدمات این عمل انرژی صرف نمائید. حالا بقیه کارهای تمدن غربی از این هم پر دردستر است. آنچه باز یادآوری میکنم این نکته ی اساسی است که انسان در فضای جهان بینی که دارد فکر میکند و عمل منماید و به تعبیر دیگر پایه ی سایر علوم در هر فرهنگی علوم انسانی آن فرهنگ است و علوم انسانی آن فرهنگ غایت سایر علوم را بیان میکند و سؤال ایجاد میکند تا سایر علوم به وجود بیایند و آن غایت و هدف را محقق کنند و به سؤالات جواب دهند، علوم انسانی غربی کاملاً با علوم انسانی امثال شیخ بهایی متفاوت است، یکی بر اساس تفکر «جانلاک» می اندیشد و یکی بر اساس نگاهی که وحی الهی در اختیار او قرار داده است، فکر میکند.

سؤال: آیا آن نوع از علوم را شیخ بهائی با خود برده است یا اینکه هنوز کسانی هستند که از آن علوم خبر داشته باشند و بتوانند نقش مهمی را در ساختن تمدن اسلامی ایفاکنند؟

جواب: به نظر بنده توجه به تمدن اسلامی جامعه را در بستری قرار مدهد که به طور طبیعی از نیروهای معنوی استفاده میکند. مهم آن است که اولاً؛ جهت گیریهای ما درست شود. ثانیاً؛ روشهای ما در رابطه با طبیعت و انسانها مطابق شرع تصحیح گردد. در این حالت بستری فراهم میشود که در آن بستر استعدادها در همه جهات شکوفا میگردد. مثلاً «نماز» را در نظر بگیرید؛ نماز صورت يك حقیقت ملکوتی در این عالم است، که با انضباط خاصی که خدا دستور داده، میتوانید با جنبه ی ملکوتی نماز ارتباط پیدا کنید، به این صورت که پس از معرفت لازم، با استمرار موضوع، افق برای شما باز میشود، تا با عالم بالا مرتبط شوید. حتی این که در نماز یادتان میآید که فلان کار را باید انجام مدهید، به جهت آن است که آن افق مخواهد بازبشود، اما تعلقات شما آن را منحرف میکند، در هنگام نماز همین که افق مخواهد باز بشود، شیطان ذهن را منحرف میکند به طرف ساعتان که در وضوخانه جا گذاشته اید این يك نوع بازشدن افق است، اما شیطان آن را به طرف ساعت و سایر تعلقات دنیایی منحرف میکند. نماز چنین قدرتی دارد که شما را با جنبه ی ملکوتی خودش مرتبط میکند و بعد از ارتباط با جنبه ی ملکوتی نماز، بقیه چیزها را بهتر میتوانید بیابید و بفهمید، عین همین حالتی که با عبادت دینی برای شما حاصل میشود تا باب عالم قدس به سوی شما باز شود، وقتی وارد فرهنگ ولایت اهل البیت (علیهم السلام) به معنای ولایت و حاکمیت خدا میشوید، واقع میشود و افقهایی در زندگی شما باز میگردد که مسلم در آن افق، مشکلاتی را که این تمدن گرفتار آن است- که اینهمه باید انرژی صرف

کنیم تا انرژی مورد نیاز خود را از طبیعت بگیریم- واقع نمیشود. نمونه اش کاری است که شما با حفر قنات برای تهیه ی آب انجام مدهید و بدون آنکه انرژی زیادی صرف نمائید از طریق استعدادهای طبیعی، آب دائمی را به طرف خود سرازیر میکنید، چون با روحیه ی تعامل با طبیعت به طرف طبیعت رفتید و نه با روحیه ی سرکوب استعدادهای طبیعت. اما آیا بناست با نوع فکری که شیخ بهائی «رحمة الله علیه» حمام خودش را گرم نمکرده است، کار کنیم؟ یا اصلاً فعلاً اینها مشکل ما نیست؟ شاید در آن شرایط وظیفه ی مرحوم شیخ بوده است که آن کار را بکند، ولی ما نباید به دنبال این چیزها باشیم. همانطور که عرض کردم اگر جهت گیریها درست شود و روشهای ما نیز مطابق شرع باشد، به طور طبیعی و در جای خود امکاناتی که نیاز داریم، به دست مآید. هیچکدام از بزرگانی که به مقام طی الارض میرسند، نمخواهند طی الارض بکنند، خودش پیش مآید، به طوری که آن مرد بزرگ در حینی که در نجف زندگی میکند، يك مرتبه جذبه ای به سوی حضرت ثامن الائمه (ع) در جانش پیدا مگردد که باعث میشود دیگر طاقت ماندن در محل زندگی خود را نداشته باشد و لذا خود را در مشهد مقدس میابد. این که چطوری مرود، شاید خودش هم نداند که چطوری مرود، اما مبیند که آنجاست! بعد ما می نشینیم از زاویه ی تماشاگری، اینها را با هم بحث میکنیم. اگر از خودش بپرسید: شما چطوری طی الارض میکنید؟ مگوید: من نمودانم، فقط یکمرتبه مبینم در حرم حضرت امام رضا (ع) هستم، شاید اینطور باشد. منظور عرضم این است که ما اصل آن موضوع را رها نکنیم که اگر ما روش های معنوی قابل اعتماد را درست طی کنیم، طبیعت در همه ی ابعاد به کمک ما مآید. خداوند در این رابطه مفرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ [1] اگر مردم ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را به سوی آنها می گشاییم. مسلم همینطور است که استعدادهای ناب عالم هستی در اختیار اهل تقوی قرار مگیرد. پس معلوم است که در راستای ایمان و تقوای حقیقی، یعنی ایمان و تقوایی که در همه ی مناسبات جامعه جاری شود، بهره های زیادی میتوان از آسمان و از طبیعت گرفت، بدون اینکه این همه انرژی صرف کنیم. شما ببینید: امروزه چقدر انرژی صرف می کنند تا بتوانند انرژی تولیدکنند! آقای «ایلیچ» مگوید: این همه وقت در ساختن جاده، اتوبان و کارخانه ی ماشین سازی صرف میکنید تا سریعتر به کارهایتان برسید، آیا صرف مکنند آن همه وقت صرف کنیم تا در جای دیگر آن وقت را صرف نکنیم؟

۲. خوب است سری به جزوهی «علوم انسانی؛ عبور از مدرنیته، نظر به اسماء الهی» که بر روی سایت هست، و کتابهای دکتر زرشناس و دکتر داوری بزیند.

۳. بنده رویهمرفته هر روز صبح غیر از صبح یکشنبه، در مسجد خدیجه کبری «س» در خدمت رفقا هستم. موفق باشید

---

[۱] (۱) - سورھی اعراف، آیہی ۹۶.